

راه‌های اعتمادافزایی در خانواده

دکتر مرضیه قنبری*

اشاره

«اعتماد» میان اعضای خانواده از عوامل مؤثری است که موجب احساس امنیت و وفاداری هر کدام از اعضای خانواده در برابر یکدیگر می‌شود. «اعتماد» به معنای تکیه به طرف مقابل، بدون آسیب‌رساندن به وی است که اساس بقای زندگی زناشویی و ارتباط میان والدین و فرزندان است و نیز سبب محافظت از دیگران در برابر مشکلات می‌شود. زمانی که به طرف مقابل خود اعتماد داشته باشیم، تمایل برای بخشش خطاهای طرف مقابل بیشتر خواهد بود و گذشت بیشتری از خود نشان می‌دهیم. اعتماد در خانواده موجب می‌شود اعضای خانواده کمتر با یکدیگر بحث و جدل کنند و در پی یافتن راه‌حل با مشارکت هستند. نوشتار حاضر به تبیین راه‌های اعتمادافزایی در خانواده پرداخته است تا با بررسی اصول و روش‌های آن بتوان گام مؤثری در تحکیم روابط زوجین و نیز روابط والدین و همسران برداشت و اعتمادسازی را در وهله اول میان زوجین و به تبع آن میان فرزندان موجب شد. یافته‌های پژوهش بیان‌کننده آن است که رعایت امانت‌داری و رازداری، عیب‌پوشی، صداقت در وعده، رعایت احترام و اطاعت از عوامل مؤثر بر اعتمادافزایی در خانواده است.

۱. رعایت امانت‌داری و رازداری

«رعایت امانت‌داری و رازداری» از کارهای مؤثر برای اعتمادسازی میان اعضای خانواده، به‌ویژه زوجین است که موجب الگوگیری صحیح فرزندان از والدین خواهد شد. برای ساختن اعتماد

* دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم.

در زندگی، صداقت و شفافیت امری ضروری است که نیازمند است هیچ‌یک از زوجین مسئله‌ای را از همسر خود پنهان نکنند و به‌صراحت درباره آن صحبت کنند؛ زیرا اسرار موجود در یک رابطه، تأثیر منفی بسیاری بر کیفیت رابطه می‌گذارد. با توجه به نقش اساسی زن در خانواده در جایگاه همسر و نیز مادر، از موارد مؤثر در افزایش اعتماد میان زوجین، امانت‌داری زن در برابر اموال و دارایی‌های مرد خانواده است؛ به تعبیر دیگر از جمله حقوق مرد خانواده، این است که همسرش در حضور و غیاب او حافظ دارایی‌ها و اموالش و نیز امانت‌دار اسرار داخل خانواده باشد؛ در این حالت اعتماد مرد به همسرش افزایش می‌یابد و مرد نیز در مقابل همسرش چنین رفتار خواهد کرد. در تأیید این مطلب از امام رضا علیه السلام چنین آمده است:

مَا أَفَادَ عَبْدٌ عَبْدًا خَيْرًا مِنْ زَوْجَةٍ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتُّهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا
وَ مَالِهِ؛^۱

آدمی سودی بهتر از همسر شایسته به چنگ نیاورده است؛ همسری که شوهرش با دیدن او خوشحال شود و هرگاه از وی دور شود، در غیابش نگهبان خود و اموال او باشد.

طبق این روایت برای بنده فایده‌ای بهتر از این نیست که همسرش هرگاه او را می‌بیند، مسرورش سازد و در غیابش از خود و مال همسرش حفاظت کند. امانت‌داری از جمله ویژگی‌هایی است که افزون بر جلب رضایت همسر، جلب رضایت خداوند را نیز به همراه دارد. امام علی علیه السلام فرمودند: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَبَّبَ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ»؛^۲ بر اساس این روایت، امانت از جمله کارهای نیکی است که در کامل شدن ایمان انسان تأثیر بسزایی دارد. همچنین در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَكَانَ مِنْ قَوْمِهِ إِلَى قَدَمِهِ دُنُوبًا بَدَّلَهَا اللَّهُ حَسَنَاتٍ الصَّدْقُ وَالْحَيَاءُ وَ
حُسْنُ الْخُلُقِ وَالشُّكْرُ؛^۳

هرکه چهار خصلت داشته باشد و از سر تا پا غرق گناهان باشد، خدا آنها را به حسنات تبدیل کند: راست‌گویی و حیا و خوش خلقی و سپاس‌گزاری.

۱. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الإسناد، ص ۲۰.

۲. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۳۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۷.

بر اساس این روایت، اهمیت امانت‌داری به اندازه‌ای است که یکی از چهار خلصتی دانسته می‌شود که در پرتو آن، گناهان دیگر بخشیده می‌شود. آیه «حَافِظَاتُ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...»^۱ بیان‌کننده حفظ اسرار و حقوق مرد در غیاب اوست؛ بر اساس این آیه، زن‌های صالح و درستکار، زنانی فروتن هستند که در برابر خانواده خود متعهد می‌باشند و نه تنها در حضور مرد خانواده، بلکه در غیاب او نیز بر دارایی، ناموس، آبرو، اسرار و هر چیزی که به شخصیت مرد مربوط است، امانت‌دار هستند.^۲ درحقیقت این چنین زنانی مطیع امر خدا و همسران خویش هستند که حقوق و احترام همسران خود را حفظ می‌کنند.^۳ بنابراین امانت‌داری زن در غیاب همسر از عوامل استحکام بنیان خانواده و افزایش اعتماد میان زوجین است که خداوند متعال در تمجید و توصیف زنان صالح و شایسته، آنان را به پاکدامنی و امانت‌داری در غیاب همسر وصف کرده است. درحقیقت امانت‌داری موجب جلب اعتماد همسر و رضای الهی می‌شود که در پرتو آن می‌توان به درجات بالایی ایمان نائل شد.

۲. عیب‌پوشی

«عیب‌پوشی» نوعی بی‌توجهی به جنبه‌های منفی و رفتارهای ناخوشایند در طرف دیگران است. «ستارالعیوب‌بودن» از ویژگی‌های خداست که در مورد انسان نیز ویژگی بارز اخلاقی به شمار می‌آید و شایسته است بندگان نیز از توجه به عیوب مردم خودداری کنند. وجود این صفت میان زوجین، نقش مؤثری در افزایش اعتماد دارد؛ از این‌رو سزاوار است زن و مرد در معاشرت با همدیگر عیوب هم را بپوشانند و یکدیگر را از گناه و خطا و اشتباه حفظ کنند. خداوند در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...»؛^۴ آنها لباس شما هستند و شما لباس آنها [هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید]. لباس هم انسان را از سرما و گرما و خطر برخورد اشیاء به بدن حفظ می‌کند و هم عیوب را می‌پوشاند و زینت بدن انسان است. علامه^۵ قائل است این عبارت استعاره‌ای است از اینکه هر یک از زوجین طرف دیگر خود را از رفتن به فسق و فجور و اشاعه‌دادن آن میان افراد نوع جلوگیری می‌کند؛ درحقیقت مرد لباس و

۱. نساء: ۳۴.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۱.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۹.

۴. بقره: ۱۷۸.

ساتر زن و زن ساتر مرد است.^۱ پس زن و مرد دو جنس مکمل یکدیگر و سبب شکوفایی، نشاط و پرورش همدیگر هستند؛ به طوری که هر کدام بدون دیگری ناقص است و به طور طبیعی بین یک موجود و مکمل وجود او باید چنین جاذبه‌ای وجود داشته باشد.^۲ مقام معظم رهبری علیه السلام سازش در روابط زوجین را سازشی نیکو دانسته‌اند و توصیه نمودند که نواقص و ضعف‌های همسر نباید موجب دل‌سردی شود؛ زیرا هیچ انسانی ایده‌آل و بی‌عیب و نقص نیست و در ادامه فرمودند:

اگر رفتار تندی، بد اخلاقی و کم‌کاری دیدید، باید بسازید؛ منتها با زبان، با ملایمت و با مهربانی. خانم‌ها بهتر می‌توانند در این مصاف دوستانه بر عوامل سردی و ... با یک مقدار کوتاه‌آمدن، با یک مقدار خوش اخلاقی کردن و با ابزارهایی که هست، فایق بیابند و مرد را بکشانند به آنجایی که باید قرار بگیرد، تا ان‌شاءالله زندگی، زندگی شیرینی شود.^۳

بنابراین عیب‌پوشی زندگی موجب می‌شود روابط زوجین همراه با احترام متقابل و صمیمیت باشد و اعتماد متقابل در زندگی برقرار شود.

۳. صداقت

«صداقت در وعده» عامل مؤثری در اعتمادسازی میان زوجین است؛ از سوی دیگر صداقت‌نداشتن در زندگی موجب از بین رفتن اعتماد خانواده و دیگران به فرد می‌شود. گاهی کمترین دروغ سبب از میان رفتن جو اعتماد میان اعضای خانواده می‌شود. آیات و روایات تأکید بسیاری بر «صدق» و «راستی» کرده‌اند و آن را از والاترین اوصاف اولیاءالله و از کلیدهای عمده بهشت دانسته‌اند:

هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
أَبَدًا؛^۴

امروز، روزی است که راستی راست‌گویان به آنها سود می‌بخشد؛ برای آنها باغ‌هایی از

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۴.

۲. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، زن از زبان قرآن، ص ۲۱.

3. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1137&p=2>

۴. مائده: ۱۱۹.

بهشت است که نهرها از زیر [درختان] آن می‌گذرد و تا ابد، جاودانه در آن می‌مانند. مراد از صدق و راستی، صدق در عقیده و گفتار و عمل است که هر یک، نشانه‌ای از نشانه‌های مسلم تقواست. اهمیت صدق بدان دلیل است که وسیله اصلی آزمایش افراد دانسته می‌شود؛ چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین آمده است:

لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طُنْطُنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ، وَ لَكِنْ أَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ؟^۱

نگاه به فزونی نماز و روزه و حج و کارهای نیک و سروصدای آنها در شب [برای عبادت] نکنید؛ ولی نگاه به راستی گفتار و ادای امانت آنها کنید.

۴. رعایت احترام و اطاعت

احترام‌گذاشتن به یکدیگر روشی مؤثر در برقراری ارتباط خوب با دیگران و جلب اعتماد است. اطاعت‌پذیری و رعایت احترام مورد تأکید آیات و روایات در روابط زوجین و اعضای خانواده است؛ خداوند متعال بر اساس آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...»^۲ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به دلیل برتری‌هایی که خداوند [از نظر نظام اجتماع] برای بعضی در برابر بعضی دیگر قرار داده است...»، انفاق و تأمین هزینه زندگی خانواده را بر عهده مرد نهاده است. زن نیز در مقابل مکلف شده است از مرد در جایگاه رئیس خانواده اطاعت کند. رابطه قوامیت با زورگویی رابطه‌ای متباین است. بهترین روش سرپرستی مدیریت مرد در خانواده این است که حاکمیت قلب افراد خانه را برعهده داشته باشد؛ به عبارت دیگر وظیفه اداره امور و تدبیر منزل از نظر مادی و معنوی تنها با حکومت بر دل امکان‌پذیر است و تسلط بر جسم به تنهایی مؤثر نیست؛ زیرا هرگاه بر دل‌ها حکومت شود، فرمانبری حتمی است و نیازی به زور و خشونت نیست.^۳ قوام‌بودن به معنای زورگویی و اجبار، همچنین سلطه و حکومت مثل حکومت حاکم بر زیردست نیست. مقام معظم رهبری قائل به نوعی «تبادل» در خانواده هستند که اگر هر کدام از مرد و زن زیاده‌روی کند، تعادل به هم می‌خورد و قائل‌اند:

گاهی اتفاق می‌افتد مرد در خانه، نقش زن را پیدا می‌کند. زن حاکم مطلق می‌شود و به

۱. محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۵۱.

۲. نساء: ۳۴.

۳. حسین مظاهری، خانواده در اسلام، ص ۲۴-۲۵.

مرد دستور می‌دهد این کار را بکن، آن کار را نکن. مرد هم دست بسته تسلیم است. خب چنین مردی دیگر نمی‌تواند تکیه‌گاه زن باشد. زن یک تکیه‌گاه خوب را دوست دارد.^۱

در بیان حال الگوی کامل زنان عالم، توصیه‌ای در بیانات ایشان به زنان وجود دارد: «امیرالمؤمنین علیه السلام درباره فاطمه زهرا علیها السلام فرمودند: "ما اغضبنی ولا خرج من امری؛ یک بار این زن در طول دوران زناشویی، مرا به خشم نیاورد و یک بار از دستور من سرپیچی نکرد". فاطمه زهرا علیها السلام با آن عظمت و جلالت، در محیط خانه، یک همسر و یک زن است؛ آن گونه که اسلام می‌گوید. در محیط علم هم یک دانشمند والاست.^۲ با توجه به این بیان می‌توان گفت زن‌های جامعه اسلامی باید در محیط خانواده در جایگاه یک زن با برخورد لطیف و ریحانگی خود حضور پیدا کنند و اگر حضرت زهرا علیها السلام را الگوی خود در برخورد با همسر قرار داده‌اند، توجه کنند که از افتخارات ایشان «لا خرج من امری» بود که از جانب همسرشان بیان شده است. بنابراین در اطاعت از همسر بر خود افتخار نمایند و این مسئله را دون شأن ندانند؛ هم‌چنان‌که از صفات زنان شایسته در قرآن نیز «قاتنات» است که ذیل آیه ۳۴ سوره نساء بدان اشاره شده است.

۵. درک متقابل

از توصیه‌های اخلاقی اسلام در تداوم اعتماد و عشق میان همسران و به تبع آن فرزندان، پرهیز از انتظارهای نابه‌جا در برابر همدیگر است که موجب کدورت، کینه و نفرت در بنای عشق و صمیمیت می‌شود. بنابراین شایسته است زوجین در جایگاه الگوی فرزندان، در تمام امور زندگی انتظارهای خود را کنترل کنند تا موجب استحکام روابط خانوادگی شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بهترین زنان را زنی دانسته‌اند که بامحبت و سازگار باشد: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْوَدُودُ الْوَالِدُ الْوَالِدُ الْمُؤَاتِيَةُ وَ شَرُّهَا اللَّجُوجُ»^۳ بهترین زنان شما، زنان مهربان فرزندآور سازگار هستند و بدترین آنها زنان لجباز هستند. بنابراین زن باید در مقابل شوهر با محبت و صمیمیت، ریشه هر نوع اختلاف و نزاع را از بین ببرد و بکوشد اسباب خشم و ناراحتی همسر را فراهم نکند و در صورت عصبانیت همسر، با درک شرایط وی با مدارا برخورد کند؛ چنان‌که در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حق مرد بر زن،

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21431>

2. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-print?id=2645&nt=2&year=1371&tid=1470>

۳. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

محبت و دلسوزی بر همسر بیان شده که باید از خشم و غضب وی دوری گزیند و آنچه مورد رضای اوست را انجام دهد: «لِلرَّجُلِ عَلَى الْمَرْأَةِ أَنْ تَلْزَمَ بَيْتَهُ وَتَوَدَّهَ وَتُحِبَّهُ وَتُشْفِقَهُ وَتُجْتَنِبَ سَخَطَهُ وَتَتَّبِعَ مَوْصَاتِهِ...»^۱؛ حق مرد بر زن این است که [زن] ملازم خانه او باشد و به شوهرش دوستی و محبت و دلسوزی کند، و از خشم و عصبانی کردن وی دوری گزیند و آنچه مورد رضایت اوست را انجام دهد، و به پیمان و وعده وی وفادار باشد». امام علی علیه السلام در سخنی در شأن حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

فَوَاللَّهِ مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرِ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَّتْ لِي أَمْرًا...^۲

به خدا سوگند هیچ‌گاه فاطمه علیها السلام را به خشم نیاوردم و او را بر کاری - که میل نداشت - وادار نکردم تا روزی که خداوند او را برد و او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هرگاه که به او می‌نگریستم، نگرانی‌ها و غم‌ها از من زوده می‌شد.

۶. حسن خلق و محبت

سعی در برقراری یک ارتباط خوب می‌تواند اعتماد اعضای خانواده را به همراه داشته باشد. محبت اساس زندگی است که موجب برکات الهی، نزدیکی دل‌ها و استحکام پیوندها می‌شود. از طرفی نیز جدال، ریشه در بدخویی دارد که حتی اگر حق باشد، باید آن را ترک کرد؛ زیرا این‌گونه رفتارها موجب کدورت و تیرگی روابط زوجین و سلب آرامش می‌شود. امام هادی علیه السلام در حدیثی فرمودند:

الْمِرَاءُ يَفْسِدُ الصَّدَاقَةَ الْقَدِيمَةَ، وَيَحُلُّ الْعُقْدَةَ الْوَثِيقَةَ وَأَقْلُ مَا فِيهِ أَنْ تَكُونَ (الْمُعَالَبَةُ، وَ الْمُعَالَبَةُ) أَمْتُنُ سَبَابِ الْقَطِيعَةِ؛^۳

مجادله کردن، دوستی دیرین را از بین می‌برد و پیوند استوار را از هم می‌گسلد و کمترین چیزی که در مجادله هست، چیره‌جویی است و چیره‌جویی، خود عامل اصلی قطع رابطه است.

۱. همان، ج ۱۴، ص ۲۴۴.

۲. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۶۳.

۳. حسین بن محمد حلوانی، نزهة الناظر و تنبيه الخواطر، ص ۱۳۹.

بر اساس این روایت، جدال موجب از بین رفتن دوستی طولانی می‌شود و رابطه محکم را به جدایی می‌کشاند. نیکی در برابر دیگران موجب ایجاد محبت و اعتماد می‌شود؛ در نتیجه کینه‌ها و کدورت‌ها تبدیل به محبت و دوستی می‌گردد. مقام معظم رهبری علیه السلام محبت را از اصول مهم زندگی زوجین می‌داند؛ اما ایشان در سخنان خود بیشتر بر «حفظ محبت» تأکید دارند: «در ازدواج، اصل قضیه محبت است. دخترها و پسرها این را بدانند. این محبتی را که خدا در دل شما قرار داده، حفظ کنید»^۱. در حقیقت ایشان اصل وجود محبت بین زوجین را به صورت جعل از طرف خداوند قبول دارند و قائل‌اند برای حفظ و پرورش این احساس در خانواده باید تلاش کرد:

زن و شوهر هرچه بیشتر به هم محبت کنند، زیادی نیست. آنجایی که محبت هرچه زیاد شود، ایرادی ندارد، محبت زن و شوهر است. هرچه به هم محبت کنید، خوب است و خود محبت هم اعتمادی می‌آورد. این محبت زن و شوهر هم جزء محبت‌های خدایی است. هرچه بیشتر شود، بهتر است، زن و شوهر باید به هم محبت بورزند، این اساس خوشبختی است. خوشبختی در این است که زن و شوهر همدیگر را دوست داشته باشند.^۲

بنابراین احترام متقابل، اعتمادسازی و ذوب کدورت‌ها در پرتو محبت، سه گام مؤثر در رابطه محبت‌آمیز بین زوجین هستند. در حقیقت محبت موجب حفظ و پایداری روابط اعضای خانواده می‌شود که نمی‌گذارد زوجین از هم جدا شوند. از طرفی نیز موجب تزریق صفات خوب به فرزندان می‌شود؛ زیرا خانواده خوب یعنی زن و شوهری که با هم مهربان و صمیمی باشند و به یکدیگر محبت و عشق بورزند؛ این ویژگی‌ها به فرزندان که در آن خانواده به وجود می‌آیند نیز منتقل می‌شود. بنابراین محبت از اصول اساسی زندگی زوجین است که زن و مرد برای دستیابی به آرامش و خوشبختی به آن نیازمند هستند.

مطلب حائز اهمیت این است که زوجین باید برای دوام و ازدیاد محبت تلاش کنند؛ زیرا آثار و برکات آن در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی نمایان خواهد شد و به اعتماد میان خانواده منجر می‌شود. آرامش و اعتماد فردی، وفاداری و پایداری خانوادگی و امنیت عاطفی فرزندان از جمله نتایج آن است که باعث می‌شود خانواده کانون رشد و ارتقای روزافزون شود.

1. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4676>

2. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21433>

اخلاق، روح دین است و مکارم اخلاق در عبارت «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»، بیان‌کننده صبور، متانت، انصاف، خوش‌ذاتی، خیرخواهی در برابر دیگران است. مهم‌ترین عامل ایجاد حسن خلق نیز «دست‌یابی به محبت الهی است که می‌تواند خوش‌خلقی را به طور نهادینه در انسان ایجاد کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بهترین مردم را کسانی دانسته‌اند که برخوردشان با مردم از همه بهتر است: «خَيْرُكُمْ أَحْسَنُكُمْ أَخْلَاقاً الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ»^۱؛ بنابراین زن مسلمان در جایگاه همسر و نیز مادر خانواده، باید شاخصه حسن خلق را برای نیل به جایگاه «بهترین مردم بودن» در خود ایجاد کند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث دیگری فرمودند: «الْأَخْلَاقُ مَنَائِحٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِذَا أَحَبَّ عَبْدًا مَنَحَهُ خُلُقًا حَسَنًا وَإِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا مَنَحَهُ خُلُقًا سَيِّئًا»^۲. بسیاری از مشکلات اخلاقی در خانواده به دلیل اعتمادناشتن به یکدیگر و دورشدن از حسن خلق است؛ بر همین اساس «حسن خلق» از گزاره‌های مورد توجه در اسلام است و در روایات باارزش‌ترین صفت در قیامت معرفی شده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَا يَوْضَعُ فِي مِيزَانِ امْرِئٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَفْضَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ»^۳.

اعتمادسازی بین خانواده از بروز بسیاری از مسائل جلوگیری می‌کند؛ خانواده‌هایی که به یکدیگر اعتماد دارند، کمتر در معرض خیانت و طلاق قرار خواهند گرفت. درحقیقت روابطی که بر پایه اعتماد بنا شده باشد، دوام بیشتری خواهد داشت و این موضوع به فرزندان خانواده نیز منتقل خواهد شد. به طور معمول والدینی که روابطی بر اساس اعتماد دارند، فرزندان آنها نیز در جامعه متعهد هستند؛ زیرا رفتار افراد خانواده افزون بر تحکیم روابط زوجین، موجب تربیت صحیح فرزندان نیز خواهد بود.

۱. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۴۵۱.

۲. محمد بن محمد مفید، الاختصاص، ص ۲۲۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۹.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۲. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الانمّه، چ اول، تبریز: بنی هاشمی، ۱۳۸۱ ق.
۳. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، چ اول، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق.
۴. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۰ ق.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ سوم، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۷. لیبی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق: حسین حسینی بیرجندی، چ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۸. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، زن از زبان قرآن، چ اول، قم: جمال، ۱۳۸۷ ش.
۹. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، چ اول، قم: شفق، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.